

تراجم آثار فارسی به زبان بنگالی

پرفسور عطا کریم برق
دانشگاه کلکته، کلکته

مسلمانانی که در اوّل قرن سیزدهم میلادی به سرزمین بنگاله آمدند، از اهالی بلخ و ماوراءالنهر بودند و خودشان را «خان» می‌گفتند. تمدن و فرهنگ آنان ایرانی و زبان خانوادگی شان ترکی و زبان رسمی و سیاسی و اداری آنان زبان فارسی بوده و زبان عربی را بکارهای مذهبی بکار می‌بردند.^۱ با ورود مسلمانان در بنگاله حکومت لکشن سین انقراض یافت و مسلمانان بجای او به حکومت رسیدند. لکشن سین از حامیان بزرگ زبان سانسکریت بوده و پس از انقراض سلطنت او اهمیت زبان سانسکریت از بین رفت. چون مسلمانان از طرفداران زبان بنگالی بودند، راه ترقی برای زبان بنگالی بازگردید.^۲ چون حکومت و شهرسازی مسلمانان در بنگاله مستحکم و استوار گردید، این مردمان سرزمین بنگاله را میهن خود قرار دادند. اهمیت زبان بنگالی در آن وقت افزون‌تر از یک لهجه و گویش ناقص و ناستوار نبود. نظر به این که زبان بنگالی زبان تکلمی توده مردم بوده و علاقه و کارهای حکمرانان مسلمان با توده مردم بوده، آنان لهجه بنگالی را یاد گرفتند و بنابه روابط و معاشرت ایشان با اهالی کشور، لهجه بنگالی را دوست می‌داشتند و در توسعه و پیشرفت آن سعی می‌کردند و از شعرا و دانشمندان زبان بنگالی سرپرستی و تشویق می‌کردند. به این نحو زبان بنگالی که در آن وقت یک لهجه بسیار سُست و ناستوار بوده، به یک زبان کتبی و ادبی مبدل گشت. و بنابه گفته دیش چاندراسین، این

۱ دکتر انعام‌الحق: مسلم بنگالی ادب، ۱۹۵۷، چاپ پاکستان، ص ۲۱.

۲ همان، ص ۲۲.

قدر مسلم است که اگر مسلمانان به بنگاله نمی‌آمدند و حکومت شاهان هندو ادامه پیدا می‌کرد، راه معرفی زبان بنگالی به دربار شاهان هندو باز نمی‌شد^۳ و توسعه و پیشرفت زبان بنگالی به آن زودی ممکن نبود. پس می‌توان گفت که وجود مسلمانان در بنگاله و حمایت آنان از زبان بنگالی موجبات پیشرفت و ترقی زبان و ادب و فرهنگ این سرزمین را فراهم کرد.

ما همه می‌دانیم که در قرون گذشته هندوها مردمانی بسیار علاقه‌مند به مذهب و افکار مذهبی بودند و نوشته‌های آنان همواره گرد مذهب می‌گشت و مملو از افکار و تخیلات مذهبی می‌بود. چون مسلمانان به سرزمین هند قدم گذاشتند، توانستند در برابر آنان نفوذ ناپذیر بمانند. در نتیجه، مسلمانان به نقل و تقلید هندوها بعضی کتابهای مذهبی مانند «رسول وِجِیئی» (پیروزی رسول ﷺ) در مقابل «پاندو وِجِیئی» و «نبی بُنّسا» (دودمان نبی) در برابر «هَری بُنّسا» و جنگ‌نامه و داستان امیر حمزه در مقابل مهابهارت و غیر آن به ظهور رسانیدند.^۴ اما سخنوران مسلمان نه تنها بنوشته‌های مذهبی اکتفا و تکیه نمودند، بلکه قدم آن‌ها جلوتر رفت به مواضع گوناگون مانند مذهب و فلسفه و تصوّف و اخلاق و رزم و رُمان و مرثیه و نجوم و غیر آن دست زدند و می‌توان گفت که تقریباً در هر موضوع بسیاری از آثار فنا ناپذیر به ظهور رسانیدند.

چنانکه در بالا گذشت، با ورود مسلمانان در بنگاله یک دوره ترجمه آغاز گردید و با پشتیبانی سلاطین و امرای مسلمین بسیاری از آثار فارسی و سانسکریت و هندی به زبان بنگالی منتقل گردید و می‌توان گفت که تراجم آثار فارسی به زبان بنگالی در ترقی و پیشرفت زبان بنگالی نقش مهمی را بازی کرد و زبان بنگالی را تکان داد و در حرکت آورد. تعداد آثار فارسی که بزبان بنگالی منتقل گردید، خیلی زیاد است و نمی‌توان در این مقاله کوچک به همه آن‌ها پرداخت. پس در این جا به ذکر بعضی از آن‌ها

۳ History of Bengali Language and Literature, C.U., 1954, P. 10.

۴ Dr. Sukumar Sen: History of Bengali Literature, New Delhi, 1960, P. 156.

می پردازیم.

قصهٔ یوسف و زلیخا از منابع فارسی به زبان بنگالی

داستان عشق زلیخا به یوسف علیه السلام چنانکه می دانیم، خیلی قدیم و کهنه است و منابع آن در تورا و قرآن مجید بوده است و در تفاسیر به تفصیل آن پرداخته شده است. بنابه نوشتهٔ استاد بزرگوارم دکتر علی اصغر حکمت «واقعهٔ اسارت یوسف (ع) و رفتن او به مصر باید در زمان طوطیسمیس سوم (۱۴۴۹-۱۵۰۳ ق م) از سلالة هیجدهم فراغنهٔ مصر واقع شده باشد» برای تفصیل ملاحظه شود: کتاب «جامی» تألیف دکتر علی اصغر حکمت، چاپ تهران، ۱۳۲۰ شمسی، ص ۱۹۷-۲۰۰، شعرای ایرانی که قصهٔ یوسف (ع) و زلیخا را بزبان فارسی سرودند، برحسب ذیل بوده اند:

الف - ابوالمؤید بلخی که شاعر و نویسنده بود، در دورهٔ سامانیان می زیست. وی قصهٔ یوسف (ع) و زلیخا را به فارسی نظم کرد، ملاحظه شود: تاریخ ادبیات ایران تألیف دکتر رضازاده شفق، چاپ تهران، ۱۳۲۴ شمسی، ص ۴۰.

ب - ابوالقاسم فردوسی (در حدود ۳۳۰-۴۱۶ هجری) که از بزرگترین و نامورترین شعرای فارسی بشمار می رود و بنابه گفتهٔ تذکره نویسان، وی داستان یوسف (ع) و زلیخا را بر وزن اشعار شاهنامه تدوین کرد. اما محققان جدید دربارهٔ داستان یوسف (ع) و زلیخا که به ابوالقاسم فردوسی نسبت می دهند، اختلاف دارند.

ج - خواجه عبدالله انصاری (۳۹۶-۴۸۱ هجری) بنابه نوشتهٔ پرفسور براون انگلیسی کتابی منثور در داستان یوسف (ع) و زلیخا به عنوان «انیس المریدین و شمس المجالس» تألیف کرد. ملاحظه شود: تاریخ ادبیات فارسی به زبان انگلیسی، جلد دوم، چاپ ۱۹۲۸ میلادی، ص ۲۷۰.

د - مولانا عبدالرحمن «جامی» (۸۱۷-۸۹۸ هجری) از معروفترین شعرای فارسی به شمار می رود. وی داستان یوسف (ع) و زلیخا را به سبک بسیار جالب و قشنگ به رشتهٔ نظم درآورد. داستان یوسف (ع) و زلیخا از معروفترین و مقبولترین مثنوی های

مولانا «جامی» است و شهرت جهانی دارد، ملاحظه شود: «جامی» تألیف دکتر علی اصغر حکمت، چاپ تهران، ۱۳۲۰ شمسی، ص ۱۹۷-۲۰۰.

ه - لطف علی بیگ آذر بیگدلی (ولادت ۱۱۱۴ هجری) در قرن دوازدهم هجری قمری داستان یوسف (ع) و زلیخا را به نظم در آورد. اشعار او به قول دکتر رضازاده شفق جزیل و آبدار است، ملاحظه شود: تاریخ ادبیات ایران، چاپ تهران، ۱۳۲۴ شمسی، ص ۳۹۹.

در هر حال سخنورانی که قصهٔ یوسف (ع) و زلیخا را از منابع فارسی به زبان بنگالی سرودند، بقرار زیر می باشند:

۱ - شاه محمد صغیر که از شعرای متصوفین به شمار می رفت، از برجسته ترین و قدیم ترین سخنوران بنگالی بود و به قول بعضی از نویسندگان، وی از اولین شاعرانی است که به زبان بنگالی کتابی منظوم بوجود آورد (سید اقبال عظیم: مشرقی بنگال مین اردو، چاپ پاکستان، ۱۹۵۴ میلادی، ص ۴۷۱) وی در ناحیهٔ چیتاگانگ به دنیا آمد و در زمان سلطان غیاث الدین اعظم شاه (۱۳۸۹-۱۴۰۹ میلادی) زندگی کرد. وی به دربار آن سلطان ادب پرور و دانش دوست وابستگی داشت. سلطان غیاث الدین اعظم شاه، پادشاهی بود که از خواجه «حافظ» شیرازی دعوت کرد و او در جواب غزلی نغز به خدمت آن سلطان ارسال داشت که معروف جهان است. آخرین شعر آن غزل اینست:

«حافظ» ز شوق مجلس سلطان غیاث دین غافل مشکوکه کار تو از ناله می رود
در هر حال شاه محمد صغیر کتابی منظوم به عنوان یوسف (ع) و زلیخا به زبان بنگالی تدوین نمود و آنرا به نام غیاث الدین اعظم شاه اختصاص داد.^۵ نسخه های دست نویس این کتاب در چیتاگانگ و حوالی آن موجود می باشد. سه نسخه خطی آن در کتابخانه

دانشگاه داکا و یک نسخه خطی آن در کتابخانه شخصی دکتر انعام الحق در بنگلادش موجود می‌باشد.^۶ در این جا آن نکته که توجه ما را جلب می‌کند، اینست که شاه محمد صغیر قبل از مولانا نورالدین عبدالرحمن «جامی» بوده. در این صورت می‌توان حدس زد که شاه محمد صغیر داستان یوسف (ع) و زلیخا را به نقل ابوالمؤید بلخی و داستان یوسف (ع) و زلیخا منسوب به ابوالقاسم فردوسی تدوین نموده. اما استفاده شاه محمد صغیر از این منظومه‌های فارسی چقدر می‌باشد، تا به حال روشن نیست. چیزی دیگر اینست که شاه محمد صغیر این داستان را در تحت تأثیر محلی درآورد و آن این طور است: بازرگانی که حضرت یوسف علیه السلام را خریداری می‌کند آن عزیر مصر نیست، بلکه یک نفر بنگالی است و اسم او «منی‌رو» بوده و «منی‌رو» به زبان بنگالی به معنی بازرگان مروارید بکار می‌رود.^۷ نمونه اشعار داستان یوسف (ع) و زلیخا منظومه شاه محمد صغیر در «تاریخ اجتماعی مسلمین در بنگاله» تألیف دکتر عبدالکریم مندرج است. (ملاحظه شود کتاب مذکور پاورقی ص ۷-۷۶).

۲- عبدالحکیم شاه (۱۶۲۰-۱۶۹۰ میلادی) در میان شاعرانی که صوفی منش بودند، در قرن هیفدهم میلادی شهرتی بسزا داشت. وی قصه یوسف (ع) و زلیخا را از منابع فارسی به زبان بنگالی تدوین کرد.^۸

غریب‌الله فقیر از اهالی بنگاله غربی بود و در اواخر قرن هیفدهم و اوایل قرن هیجدهم میلادی می‌زیست.^۹ وی در زمان خود از سخنوران برجسته زبان بنگالی و استادالشعرا به شمار می‌رفت و از نوشته‌های شعرای متقدمین الهام می‌گرفت. وی از

۶ Dr. Abdul Karim: Social History of the Muslims in Bengal, Dacca, 1959,

PP. 7, F. 76-8.

۷ دکتر انعام الحق: مسلم بنگالی ادب، ص ۷۵-۷۰.

۸ همان، ص ۷۰.

۹ Dr. Sukumar Sen: History of Bengali Literature, P. 157.

متصوفین معروف زبان خود بود و به پیروی از تعلیمات اسلامی شغف و دوستی داشت و داستان امیر حمزه را از فارسی به زبان بنگالی منتقل و تلخیص کرد.^{۱۰} داستان یوسف (ع) و زلیخا را نیز از فارسی به بنگالی در آورد.^{۱۱}

داستان یوسف (ع) و زلیخا در قرن هیجدهم میلادی در بنگاله شهرتی بسزا داشته و در محافل ادبی زیاد خوانده می‌شد. داستان یوسف (ع) و زلیخا و دیگر داستان‌ها و کتب دیگری که از فارسی به زبان بنگالی منتقل شده، وسیله‌ای بسیار قوی و زبردست برای نفوذ فارسی به زبان بنگالی بوده و ادبیات بنگالی که در تحت نظارت و سرپرستی دربار شاهان اسلامی بوجود آمدند، دارای تأثیرات فارسی بود و آن تأثیرات نه تنها از لحاظ سبک و قریحه بوده، بلکه نفوذ فارسی در مورد موضوعات نیز بوده است. داستان‌های یوسف (ع) و زلیخا، و لیلی و مجنون، و سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال، و ملکه و حنیف، و حاتم طائی، و امیر حمزه، و سونابهان و غیر آن در ادبیات بنگالی دارای تخیلات و قریحه اسلامی هستند و این داستان‌ها بالخصوص در بنگاله شرقی خیلی شهرت و مقبولیت داشته‌اند. داستان یوسف (ع) و زلیخا تاحدی جالب و دل‌آویز است که دل‌های شعرای بنگالی را به خود جذب کرد و در نتیجه آن، در ادبیات بنگالی شخصیتی به عنوان «کتنی» (مشاطه) در برابر دایه زلیخا بوجود آمد. کتنی یعنی مشاطه در ادبیات بنگالی نقش دایه زلیخا را بازی می‌کند و در داستان‌های فارسی به عنوان‌های مختلف مانند پرستار و مشاطه و کنیز و دلاله و غیر آن به کار رفته است و کلمه کتنی یعنی دلاله در ادبیات بنگالی بطور اصطلاح بسیار عادی بکار می‌رود و حقیقه می‌توان گفت که سلاطین مسلمان به منزله پدر و خالق زبان بنگالی بوده‌اند و ادبیات بنگالی که در دوران سلطنت مسلمین به وجود آمد، دارای تأثیر هنگفت فارسی اسلامی نه تنها در سبک اشعار بنگالی

۱۰ همان، ص ۱۵۸.

۱۱ دکتر انعام الحق: مسلم بنگالی ادب، ص ۲۲۴.

بلکه در قریحه و روحیه آن نیز بوده است.^{۱۲}

سوالاتِ موسی

سوالاتِ موسی به زبان فارسی چه رساله‌ای بود، و اصل عنوان آن چه بود، و نویسنده آن چه کسی بود، و در چه زمانی بود تا به حال معلوم نیست.

نصراالله خان (۱۵۷۰-۱۶۲۵ میلادی) مردی دانشمند و از سخنوران نامی زمان خود به شمار می‌رفت. وی بطوری که خودش اظهار نموده رساله‌ای بعنوان «موسار سوال» (سوال‌های موسی) از فارسی به بنگالی منتقل کرد. این رساله چنانکه از عنوان آن معلوم می‌گردد، در شرح سوالات و مکالمات حضرت موسی علیه‌السلام با خداوند متعال است. مندرجات این رساله درباره عباداتِ الهی و اهمیت نماز پنج‌گانه و تلاوت قرآن کریم می‌باشد.^{۱۳}

ترجمه دیگری «سوال‌های موسی» به زبان بنگالی به عنوان «موسار رسول» به دست سید نورالدین که از اهالی چیتاگانگ بود و در قرن هیجدهم میلادی می‌زیست، به عمل آمد. این رساله مشتمل بر بیست و یک صفحه است. این رساله دارای مکالمه و سوال و جواب بین حضرت موسی علیه‌السلام و باری تعالی است.^{۱۴}

داستانِ سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال

سید علاؤل (۱۶۰۷-۱۶۸۰ میلادی) مترجم داستانِ پَدَمَاوَت از هندی به بنگالی از دانشمندان بزرگ زبانِ سانسکریت و فارسی و هندی و بنگالی بوده و وقتی که سید علاؤل در عنوان شباب بود، از حوزه فریدپور به اراکان رفت و در آنجا در خدمت وزیری مسلمان به اسم منگن تهاکور وابستگی پیدا کرد و برحسب خواهش وی داستان پدماوت را از هندی به بنگالی منتقل کرد. بعداً منگن تهاکور برای ترجمه داستان

Dr. D.C. Sen: History of Bengali Language and Literature, P. 523-5. ۱۲

۱۳ دکتر انعام‌الحق: مسلم بنگالی ادب، ص ۴-۱۹۳.

۱۴ همان، ص ۳۲۰.

سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال از فارسی به بنگالی خواهش کرد. وی این کار را به دست‌گرفت و هنوز ترجمه آن را به تکمیل نرسانیده بود که منگن تهاکور فوت کرد و کار ترجمه ناتمام ماند. در زمانی که شاهزاده محمد شجاع برادر بزرگ اورنگ‌زیب به اراکان آمد، جنگی بین شاهزاده محمد شجاع و حاکم اراکان رخ داد. در آن جنگ شاهزاده محمد شجاع شکست خورد و سید علاؤل بنا بر طرف‌داری و حمایت از آن شاهزاده مغول در زندان انداخته شد و در حدود نه سال در حبس بماند. سید محمد موسی که یکی از وزرای راجه شری چندراشودهرما (۱۶۵۲-۱۶۸۴ میلادی) در اراکان بوده، در روزهای حبس به سید علاؤل اظهار عاطفت و مهربانی کرد و پس از زمان حبس او را در تحت سرپرستی خود قبول کرد. ترجمه داستان سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال را که پس از مرگ منگن تهاکور ناتمام گذاشته بود، بنابه خواهش سید موسی دوباره به دست‌گرفت و به تکمیل رسانید.^{۱۵} این ترجمه به سبک سانسکریتی است، باز هم روحیه آن تأثیری از فارسی اسلامی دارد و به قریحه داستان‌نویسی فارسی است و یاد آن را تازه می‌کند.

دونا غازی از اهالی چاندپور بود و در وسط قرن شانزدهم میلادی می‌زیست. به قول دکتر انعام‌الحق وی از پیشینیان سید علاؤل بوده. اولین ترجمه سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال از فارسی به بنگالی به دست او منظوم شده. زبان او پراکریت و ساده‌تر و آسان‌تر می‌باشد. ترجمه او در میان مسلمانان بنگالی خیلی مقبول افتاده چه سبک سید علاؤل سانسکریتی و مشکل‌تر می‌باشد.^{۱۶} نظر به این‌که ترجمه سید علاؤل از داستان سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال به سبک

Dr. D.C. Sen: History of Bengali Language and Literature, P. 527-8; ۱۵

Dr. J.C. Ghose: Bengali Literature, P. 83; Dr. Sukumar Sen:

History of Bengali Literature, P. 155.

۱۶ دکتر انعام‌الحق: مسلم بنگالی ادب، ص ۹-۹۷ و ۱۹۹.

بنگالی مخلوط و آمیخته به سانسکریت عالی بوده و فهمیدن آن برای توده مردم مشکل بوده، در اول قرن نوزدهم میلادی یک نفر منشی محمد ملک آنرا دوباره به زبان بنگالی ساده و آسان و عام فهم درآورد. منشی محمد ملک خودش می‌گوید:

"اشعار این کتاب باستانی و قدیم بود [و] به سبک مخصوص سانسکریت سروده شده بود، خواندن آن [اشعار] به بسیاری از مردمان خیلی دشوار بود، بدین جهت من هیچمدان آنرا به بنگالی عامیانه سرودم، چون اشتیاق مردمان با ذوق را حس کردم. به سال ۱۲۳۵ بنگالی (در حدود ۱۸۲۸ میلادی) این نامه را منظوم نمودم."^{۱۷}

داستان سیف‌الملوک و لال متی

عبدالحکیم شاه چنانکه قبلاً گذشت از معاصرین سید علاؤل و متمائل به تصوف بود. وی از سید علاؤل تتبع کرد و به نهج داستان سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال منظومه‌ای در داستان سیف‌الملوک و لال متی تألیف کرد. این کتاب به شرح داستان معاشقه بین شاهپور سیف‌الملوک و شاهدخت لال متی می‌باشد. سبک این کتاب فارسی آمیز است و نفوذ محلی را نشان می‌دهد. این منظومه در حدود بیست سال قبل در کلکته (برتله) بچاپ رسیده و در میان خوانندگان خیلی شهرت دارد.^{۱۸}

داستان سیف‌الملوک و لال بانو

محمد عبدالرزاق از اهالی بیدارآباد در حوزه نواکهای (بنگلادش) بود و در اواخر قرن هیجدهم میلادی می‌زیست. وی شعرای معتقدمین مانند دونا غازی و سید علاؤل و عبدالحکیم شاه را تتبع کرد و به نقل آنان داستان سیف‌الملوک و لال بانو را به سال ۱۷۷۰ میلادی به زبان بنگالی منظوم کرد. وی در این منظومه به نهج گویندگان مزکور به شرح داستان حسن و معاشقه سیف‌الملوک و لال بانو پرداخته است. این منظومه

دارای نفوذ محلی است.^{۱۹}

سکندرنامه

چون سید علاؤل از زندان خلاص شد، نحیف و شکسته حال شده بود. در آن وقت سید محمد موسی و مجلس نوراچ که هر دوشان از وزیران با نفوذ به دربار راجا شری سودرما بودند، سرپرستی و کمک به سید علاؤل مبذول داشتند. سید علاؤل در سال ۱۶۶۳ میلادی بنا به میل مجلس نوراچ سکندرنامه نظامی گنجوی را به عنوان «دارا و سکندرنامه» از فارسی به بنگالی منتقل کرد. این ترجمه نیز سانسکریت آمیز آزاد است.^{۲۰}

هفت پیکر

سید علاؤل بنا به میل سید موسی که از وزیران ذی‌اثر و ثروت‌مند راجا شری چندر سودرما در اراکان بود، کتاب هفت پیکر تألیف مولانا «نظامی» گنجوی به عنوان «سپتا پیکر» از فارسی به بنگالی ترجمه کرد. می‌گویند هر حکایت آنرا در یک شب منظوم نمود. این کتاب نیز به سبک بنگالی مخلوط و آمیخته به سانسکریت است.^{۲۱}

تحفه

تحفه کتابی است به فارسی در موضوع فقه که مؤلف آن یوسف گدامی باشد. وی این کتاب را به سال ۷۹۵ هجری/۱۳۹۲ میلادی تألیف کرد. سید علاؤل کتاب تحفه به سال ۱۶۵۹ میلادی به دست‌گرفت و در مدت چهار سال آنرا از فارسی به بنگالی

۱۹ همان، ص ۲۸۱.

۲۰ همان، ص ۲۷۰؛ Dr. J.C. Ghose: Bengali Literature, P. 83; Dr. Sukumar Sen: History of Bengali Literature, P. 155.

۲۱ دکتر انعام‌الحق: مسلم بنگالی ادب، ص ۲۵۸ و ۲۶۸-۹.

Dr. D.C. Sen: History of Bengali Language and Literature, P. 528, 681.

East Pakistan: Two Years of Independence, 2nd edition, 1950, P. 47. ۱۷

۱۸ دکتر انعام‌الحق: مسلم بنگالی ادب، ص ۲۳۱.

منتقل گردانید. مسلمانان بنگاله در امور و مسایل فقه از این کتاب خیلی استفاده می‌برند.^{۲۲}
داستان امیر حمزه

عبدالنبی از اهالی چیتاگانگ بود و در اواخر قرن هیفدهم میلادی می‌زیست. وی زبان فارسی به خوبی می‌دانست و از سخنوران نامی بنگالی به شمار می‌رفت و داستان امیر حمزه را به سال ۱۶۸۴ میلادی به دست‌گرفت و بطوری که خودش گفته آنرا به عنوان «امیرنامه» از فارسی به بنگالی منتقل کرد. این کتابی بسیار مهم به شمار می‌رود و در میان مسلمانان در بنگاله خیلی شهرت دارد.^{۲۳}

غریب‌الله فقیر چنانکه قبلاً گذشت، از سخنوران نامی بنگالی بود و در اواخر قرن هیفدهم و اوایل قرن هیجدهم میلادی می‌زیست. وی داستان امیر حمزه را به زبان بنگالی منتقل و تلخیص کرد. گمان می‌رود که وی داستان امیر حمزه ترجمه عبدالنبی را در نظر داشت و از آن استفاده کرد.^{۲۴}

سید حمزه از اهالی هوگلی بود و در قرن هیجدهم میلادی می‌زیست و از سخنوران نامی آن دوره به شمار می‌رفت. وی داستان امیر حمزه را به سال‌های ۴-۱۷۹۲ میلادی در تبع به استادالشعرا غریب‌الله فقیر به زبان بنگالی منتقل کرد.^{۲۵} در این داستان شجاعت و شهامت و قهرمانی حضرت امیر حمزه مفصل بیان شده است. مسلمانان بنگاله منظومه سید حمزه را با جنب و جوش زیادی می‌خوانند و کسب حرارت و دل‌گرمی می‌کنند. این کتاب به سبک بنگالی فارسی آمیز است و در کلکته (برتله) به چاپ رسیده است.

۲۲ دکتر انعام‌الحق: مسلم بنگالی ادب، ص ۲۶۹؛ Dr. J.C. Ghose: P.83; Dr. Bengali Literature, Dr. J.C. Ghose: P. 153. Sukumar Sen: History of Bengali Literature, P. 153.

۲۳ دکتر انعام‌الحق: مسلم بنگالی ادب، ص ۲۴۰.

۲۴ همان، ص ۳۲۲؛ Dr. Sukumar Sen: History of Bengali Literature, P. 157

۲۵ همان،

ده مجلس

عبدالحکیم خواندکار از اهالی اراکان بود و در قرن هیفدهم میلادی می‌زیست. وی از تلامذه برجسته سید علاؤل به شمار می‌رفت. در زمان راجا اتی یاد که بودائی بود، عبدالحکیم خواندکار بنابه خواهش یکی از درباریان آن راجا که متصدی مالیات و مذهباً مسلمان بود، کتاب ده مجلس را که به زبان فارسی بود، به دست‌گرفت و به ترجمه آن مشغول گردید و در ظرف سه سال بین سنوات ۱۶۹۸ تا ۱۷۰۵ میلادی آنرا به تکمیل رسانید.^{۲۶} می‌توان گفت که این ترجمه آزاد است.

در این کتاب به شرح احوال پیغمبران و بزرگان اسلام مانند حضرت آدم، حضرت ابراهیم، حضرت لوط، حضرت شعیب، حضرت موسی، حضرت سلیمان، حضرت عیسی، حضرت محمد ﷺ، حضرت علی، حضرت فاطمه، حضرت بلال حبشی، حضرت خالد، حضرت حسن بصری، حضرت حسن قریشی، و والی نیشاپور سلطان ابو سعید پرداخته شده است.^{۲۷}

علاوه بر منظومه‌هایی که در بالا گذشت، در زبان بنگالی بسیاری از کتاب‌هایی است که در تحت تأثیر فارسی تألیف شده یا مواد و مطالب آن‌ها مستقیماً و براه راست از کتاب‌های فارسی اخذ شده و گاهی به ترمیم و اضافه و گاهی بطور تلخیص آن‌ها به زبان بنگالی منتقل شده‌اند، و ما نمی‌توانیم در این جا کاملاً به شرح آن‌ها پردازیم. لهذا به فهرست مختصری از نام‌های این‌گونه آثار ادبی که به زبان بنگالی به ظهور رسیده، اکتفا می‌کنیم:

اسم مؤلف یا مترجم با عنوان کتاب‌ها به زبان بنگالی

- ۱- محمد نوازش خان از چیتاگانگ: قصه گل بکاؤلی.
- ۲- محمد مقیم از چیتاگانگ: قصه گل بکاؤلی - مناجات.

۲۶ دکتر انعام‌الحق: مسلم بنگالی ادب، ص ۲۵۹ و ۷۱-۲۷۰.

۲۷ همان، ص ۲-۲۷۱.

- ۳- شیخ منصور از چیتاگانگ: سرنامه (ترجمه اسرار موسی).
- ۴- شیخ سعدی از تری پوره: قصه ملکه شاهی.
- ۵- شیرباز از تری پوره: قصه ملکه شاهی.
- ۶- محمد علی از عادل پور: حیرت الفقه (قصه حسن بانو).
- ۷- حیات محمود از رنگ پور: چیت اوتهان (باغ دل) ترجمه برهان العارفين.
- ۸- محمد قاسم از نواکهای: هیت آپدیش (نصایح دوست) ترجمه برهان العارفين، قصه سلطان جمجمه.
- ۹- سید نورالدین از چیتاگانگ: هیت آپدیش (نصایح دوست) ترجمه برهان العارفين.
- ۱۰- چاندی چرن منشی از سیرام پور: طوطا اتهاس (ترجمه طوطی نامه نخشی).
- ۱۱- سید محمد حمزه از هوگلی: قصه حاتم طائی.
- ۱۲- سید محمد اکبر از تری پوره: زیب الملوک و شمع رخ.
- ۱۳- محمد رفیع از کومیلا: زیب الملوک و شمع رخ.
- ۱۴- شیخ جوهر از چیتاگانگ: آذر شاه و شمع رخ.
- ۱۵- محمد رضا از حوزة چیتاگانگ: قصه تمیم جلال و چنورناچیلال (شاهزاده مغول و شاهدخت شیراز).
- ۱۶- سید علی و عبدالوهاب: شهید کربلا.
- ۱۷- محمد دانش فرزند رفیع ملاً از شیب پور: قصه گل و صنوبر، قصه چهار درویش، نورالایمان، قصه حاتم طائی.
- ۱۸- محمد خاطر فرزند حسام الدین از گویند پور: ترجمه طوطی نامه، شاه نامه فردوسی، اخبار الوجود، ترجمه گل و هرمز، ترجمه لیلی و مجنون، سوال و جواب، معراج نامه.
- ۱۹- سید ناصر علی: ترجمه الف لیله دفتر اول در نثر.

- ۲۰- روشن علی: ترجمه الف لیله منظوم.
- ۲۱- حبیب الحسین: ترجمه الف لیله منثور.
- ۲۲- ایازالدین احمد: ترجمه الف لیله منثور.
- ۲۳- دوازکانات کوندو: ترجمه گل و صنوبر.
- ۲۴- دوارکانات رای: ترجمه بهار دانش.
- ۲۵- قاضی شفیع الدین: ترجمه بهار دانش.
- ۲۶- عبدالجبار از متیا برج: گلشن روم، قصه دل خوش.
- ۲۷- شیخ امیرالدین از کلکته: ترجمه منصور حلاج، ترجمه قصه شمس تبریزی.
- ۲۸- شیخ واعظ الدین از هوگلی: ترجمه سکندرنامه، گل اندام، قصه سستی بی بی، پری بانو شاهزادی، مرشدنامه.
- ۲۹- ایازالدین شیخ: ترجمه سکندرنامه بحری.
- ۳۰- عبدالرحمن از داکا: غم دریا (دریای غم).
- ۳۱- اظهر علی بختیاری از هوره: ترجمه مثنوی معنوی در نثر (یک قسمت)، دلبر گل روشن.
- ۳۲- عبدالرحیم از میمن سینگ: دل دیوانه، نصیحت خوبی، سخاوت نامه، بلال نامه، عشق صادق، قصه ملکه عکار بی بی، قصه گل روشن بی بی، قصه شیخ فرید.
- ۳۳- عبدالعزیز: درویش نامه.
- ۳۴- عبدالستار از مدنی پور: قصه حور نور بی بی.
- ۳۵- قمرالدین از هوره: ترجمه بی نظیر بدر منیر.
- ۳۶- راجا کرشنا رای: بی نظیر بدر منیر (نمایش در اشعار و موسیقی)، لیلی مجنون (نمایش در اشعار و موسیقی).
- ۳۷- مهیش چنڈرا میثرا و دوارکانات رای: ترجمه لیلی و مجنون.

- ۳۸- أَوْ مَا جَرَّ مَيْتْرًا و پیران کرشنا میترا: ترجمه گل بکاؤلی.
- ۳۹- عبدالشکور مانک میان: ترجمه گل بکاؤلی.
- ۴۰- رضاء الله و امیرالدین و اشرف علی: ترجمه قصص الانبیاء.
- ۴۱- قائم الدین از چیتاگانگ: چمن بهار.
- ۴۲- غریب الله از داکا: قصه دل آرام، قصه نیک بی بی.
- ۴۳- تاج الدین و قاضی ریحان الدین: ترجمه شیرین فرهاد.
- ۴۴- نظام الدین: بهار بر بهار چمن.
- ۴۵- فقیر محمد: ترجمه یوسف و زلیخا.
- ۴۶- ولایت حسین: ترجمه فسانه عجائب.
- ۴۷- محمد سعد: محبت نامه.
- ۴۸- شیخ جنت علی از تسری پوره: باغ بهار، ماهی گیر، علاء الدوله و شاهزادی بدرالبدن.
- ۴۹- مال محمد از داکا: ترجمه سیف الملوک.
- ۵۰- شیخ رمضان الله از چانک پلتاپارا: کلی نصیحت (نصیحت غنچه).
- ۵۱- شیخ خواندکار: ترجمه قصه شاه روم.
- ۵۲- شیرباز: فاطمار صورت نامه - در این منظومه به شرح احوال حضرت فاطمه بطور عجیب و شگفت آور پرداخته شده و حضرت فاطمه مانند یک ربه النوع هندو نمایش داده شده است.
- ۵۳- سید علی پهلوان: صبرالنساء.
- ۵۴- شیخ نورالدین: دافعه الحکایات.
- ۵۵- جناب علی: حقیقت صلوة، فضیلت درود، زیارت قبور.
- ۵۶- عبدالکریم خواندکار: ترجمه قصه تمیم انصاری.
- ۵۷- محمد علی از چیتاگانگ: شاه پری، ملک زاده.

۵۸- عبدالواحد از چیتاگانگ: ترجمه مثنوی معنوی در نظم (ناتمام).

۵۹- قاضی اکرم حسین: ترجمه مثنوی معنوی (انتخابات).

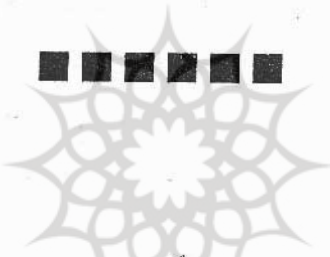
ترجمه های کتب دیگری از فارسی به بنگالی

کارهای ترجمه به زبان بنگالی که با ورود مسلمانان در بنگاله آغاز شده بود، همواره ادامه داشته و در پیشرفت زبان بنگالی نقش مهمی را ایفاء نموده، اما متأسفانه کتاب‌هایی که در دوره‌های مختلف از فارسی به بنگالی منتقل شده بسیاری از آن‌ها تلف شده و هر آن‌چه از دست تطاول زمانه مصنون و باقی مانده تماماً و کاملاً بدست ما نرسیده، پس نمی‌توان فهرست مفصلی و کاملی از کتاب‌هایی که از فارسی به بنگالی منتقل شده در این جا داده بشود. چون در زمان حاضر کارهای مطالعه و تحقیق بیشتری در هندوستان و بنگلادش و پاکستان مورد توجه دانشمندان و فرهنگیان قرار گرفته، امیدواریم که در آتی این خدمات را بطور بهتر انجام بدهیم. در هر حال در قرون نوزدهم و بیستم میلادی کتاب‌هایی که از فارسی به بنگالی ترجمه شده و تا آن‌جائی که ما اطلاع آن‌ها را بدست آوردیم، فهرست آن‌ها به قرار زیر می‌باشد:

نام کتاب با مترجم آن‌ها

- ۱- ترجمه شاهنامه در نظم: مزمل حق.
- ۲- ترجمه رستم و سهراب (درام): دَوِیچندرا لال رای.
- ۳- ترجمه رباعیات «عمر خیّام» در نظم: کانتی چندر گهوش.
- ۴- ترجمه غزلیات «حافظ» در نظم: کانتی چندر گهوش.
- ۵- ترجمه غزلیات «حافظ» در نظم: کشیب چندر سین.
- ۶- ترجمه غزلیات «حافظ» در نظم: سَتیندر نات دت.
- ۷- ترجمه غزلیات «حافظ» در نظم: مولوی گِریش چندر سین.
- ۸- ترجمه تذکرة الاولیاء عطار در نثر: مولوی گِریش چندر سین.
- ۹- ترجمه و شرح غزلیات «حافظ»: قاضی اکرم حسین.

- ۱۰- ترجمه گلستان و بوستان «سعدی»: حبیب الرحمن.
- ۱۱- ترجمه غزلیات «حافظ» کاملاً در نظم: قاضی نذراالاسلام.
- ۱۲- ترجمه رباعیات «عمر خیّام» در نظم: قاضی نذراالاسلام.
- ۱۳- ترجمه غزلیات «حافظ» در نظم: دکتر شهیدالله.
- ۱۴- ترجمه رباعیات «عمر خیّام» در نظم: دکتر شهیدالله.
- ۱۵- ترجمه ریاض السلاطین در نثر: رام پرن گپتا.
- ۱۶- ترجمه پندنامه عطّار در نظم: انیس العالم.
- ۱۷- ترجمه تحفة المؤحدین در نثر: جیوتی ریندرانات داس.
- ۱۸- ترجمه مکتوبات شیخ شرف الدین منیری در نثر: اسم مترجم معلوم نشد.



﴿ رباعی ﴾

خیمازه یک شاہد رعنا بینم
یا پیش نظر قوس قزح را بینم
نظاره محراب حرم چون کردم
والله در کعبه دل وابینم

«شمیم» جی پوری

